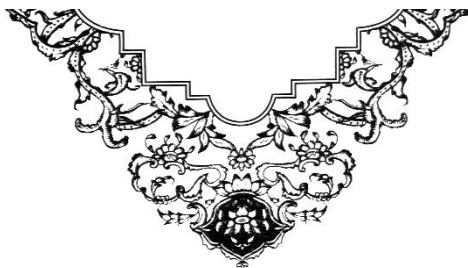


نمایشنامه

« مربع »



سرشناسه	: صفری، علی، ۱۳۶۵-
عنوان و نام پدیدآور	: مربع (نمایشنامه) / نوشته علی صفری؛ با مقدمه حامد سلیمانزاده.
مشخصات نشر	: تهران : آماره، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری	: ۸۸ ص.
شابک	: 978-600-7446-61-4
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: نمایشنامه فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian drama -- 20th century
شناسه افزوده	: سلیمان‌زاده، حامد، ۱۳۶۶ - مقدمه‌نویس
رده‌بندی کنگره	: ۸ ن ۴۲۴۴ / ف / PIR۸۳۵۰
رده‌بندی دیوبی	: ۶۲ / ۲۸۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۲۴۳۶۷

نمایشنامه

« مربع »

نوشته علی صفری

با مقدمه حامد سلیمانزاده



©Nashre Amareh, MMXXII



نشرنامه

عنوان: (نمایشنامه) مربع

نوشته علی صفری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۴۶-۶۱-۴

نوبت چاپ: اول،

تاریخ چاپ: ۱۴۰۱

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

هر گونه کپی برداری، اسکن و میکروفیلم، برداشت آزاد، جزئی یا کلی بدون اجازه مکتوب نشر آماره یا مولف ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد
محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه‌های پدیدآورنده می‌باشد و مسئولیت
درستی آن به عهده‌ی ایشان می‌باشد.

© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است

دفتر مرکزی نشر آماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان
دوازده فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱

برای آگاهی از مراکز فروش و سایر اطلاعات به وب‌سایت نشر آماره مراجعه کنید:

www.nashreamareh.ir

یادداشت ناشر

تا سه - چهار سال پیش، شاید هنوز هم، وقتی در کتاب‌فروشی‌ها و کتابخانه‌ها سراغ نمایشنامه‌های ایرانی می‌رفتم، از کمی آثار داخلی و خالی بودن قفسه‌های کتاب از نام نویسندگان جوان و خوش‌قریحه و باذوق عرصه ادبیات نمایشی، دچار یأس و ناامیدی می‌شدم. گونه‌ای ادبی که در سخت‌ترین شرایط جوانه‌زده و در بحرانی‌ترین زمان بالیده و رشد کرده بود، حالا دچار رکود و فراموشی شده بود!

برای احیا و جمع کردن آثار، راه‌حل‌های زیادی وجود داشت. یکی از آن‌ها تماس و ارتباط گرفتن با عزیزان اهل قلم و صاحب سبک بود که تعدادی از اساتید دانشگاهی و تعدادی هم از دوستان تئاتری و هم‌قلم بودند. راه دیگر ایجاد انگیزه و دست‌دراز کردن به طرف مؤلف‌های جوان بود که همین کار هم انجام شد. اولین کتاب را در سال ۹۷ چاپ کردیم که با استقبال خوبی همراه بود و بعد به ترتیب طی هماهنگی با نویسندگان بزرگ و صاحب‌نام که بر ما منت گذاشتند تا در خدمتشان باشیم. تعداد زیادی اثر به دستم رسید. خوب باید از این استقبال قدرانی می‌شد. بهترین شکل قدردانی، برخورد علمی- ادبی و منصفانه با نمایشنامه‌ها بود. باید بهترین‌ها را انتخاب می‌کردم آن هم با اصول و معیارهای قابل قبول. برای اینکه این برخورد علمی- ادبی منصفانه صورت گیرد، از میان همه نویسندگان که سال‌ها کار کرده بودند. تعداد چشمگیری را انتخاب کردم که شایسته چاپ در این پک ادبی بودند. تا هر خواسته و سلیقه‌ی مخاطب اهل تئاتر را فراهم کرده باشم. بسیار سخت‌گیر و مشکل‌پسند که چندین اثر گواه این ادعاست.

انتشارات آماره به نیت همراه شدن با نمایشنامه‌نویسان و ارج نهادن به شور و شوق آفرینشگرانه آن‌ها در این وضعیت عجیب و ترسناک اقتصادی به یاری و خواست خدا و همت شما نویسندگان عزیز این مسیر را ادامه خواهد داد. امیدواریم که مجموعه نمایشنامه‌ها مورد پسند خوانندگان عزیز قرار بگیرد و انگیزه‌ای باشد برای خلق آثار بهتر.

در پایان از مدیرمسئول محترم انتشارات آماره جناب آقای فرهاد نوع‌پرست که زحمت بسیار زیادی کشیدند و از تیم زحمتکش این نشریه و انتشارات که امکانات گرم کردن این فضا را مهیا ساخت، بسیار متشکرم.

هومن بنائی

دبیر بخش ادبیات نمایشی و داستانی

مقدمه دکتر حامد سلیمانزاده

در نوجوانی و به نقل از ژان پل سارتر جمله ای خواندم که تاکنون یقه ام را رها نکرده: «مثلث، نانسانی ترین شکل هندسه است!» آنوقت نفهمیدم منظور او چیست البته اکنون هم ادعای فهمش را ندارم اما دریافتم که مسئله اساسی اضافه شدن یک ضلع است بر فراز یک خطِ صاف که مدلولِ انسانیت را تضعیف می‌کند. هر چه اضلاع بیشتر شوند، فرم انسانی دفورمه تر شده و ابتدا و انتهای لطیفش با نوک‌های تیز و بُرنده جابجا می‌شود. از سویی دیگر، اشکال هندسی دارای ضلع، محدود کننده اند. برای آدمی قفس

می‌سازند، مرز می‌کشند، نفسش را می‌برند. حال به استناد این چند خط به سراغ نمایشنامه مربع که اقتباسی شناور از رمان میرا اثر کریستوفر فرانکِ فرانسوی است می‌روم. نوشته ای موجز از نویسنده ای که از همان ابتدای متن، هدفش را روشن کرده که درباره چه می‌خواهد بنویسد. به چند جمله انتخابی از ابتدای نمایشنامه اش که شکل پرولوجی به خود گرفته توجه کنید.

- باید برای داشتن یک جامعه آرمانی از خاموشی فرار کرد. فرار همیشه شکست نیست. شکست تعبیری مریض از نادانی انسان است.

- چهره ی بدون لبخند، مجسمه ای ست فانی.

- اینقدر می‌رقصیم تا از پا بیفتیم.

- پیروزی بزرگ در راه است. اصلاح جامعه از تمامی ناخوشی‌های بشری.

- کار هر مجسمه ای در آخر به شکستن ختم می‌شود، پس بخرید.

- شادی هر فرد در جمع تقسیم می‌شود.

- دیگه هیچ نقطه ی تاریکی در هیچ کجای جهان شکل نمی‌گیره.

لازم است این جملات را خط‌های صافِ بدونِ ضلعی در نظر بگیرید تا دریابیم چگونه آدم‌های متن در دلِ درام برایش ضلع ساخته و آزادی نهفته در بطن آن را تهدید می‌کنند. نویسنده سعی کرده است برای انتقال فحوای

ذهنی اش شکلی از اِفورِیسم یا قطعه نویسی را به کار برد. قطعات او در سراسر متن گاهی بوی تفکر می دهند، گاهی احساس، گاهی خشونت، گاهی لطافت و... این تکه ها در قالب صدا در قسمت پایانی متن نیز دیده می شود.

هیچ چیز نبود مگر لبخندی که بی منت بر هر عابری ارزانی می داشتیم.

قوانین هر روز و هر لحظه تغییر می کند. این تکامل است. تکاملی که بر پایه فراموشی استوار است. اصلاح دائم مرگ نیست بلکه درِیچه ای ست نورانی برای پیوند با روشنایی بزرگ.

همه چیز را باید فراموش کرد مگر فراموشی را. بشر در خدمت بشر.

شادی یکنفره اندوهی ست بزک شده.

هر مربع اداره ای ست در ابعاد کوچک.

علی صفری در جای جای متن تأکید ویژه ای بر اعمال روزمره دارد. نگاه روزمره همواره به تکرار آمیخته و همین تکرار نشانگر محدود بودن فضای انسانی میان کاراکترها و نوعی مسخ شدگی ماشینی آنهاست. تکرار در دیالوگ های نمایشنامه نیز به عنوان یک عنصر دراماتیک دیده می شود و این باعث ساخت بافتی ابزوردگونه نیز شده است. به عنوان مثال به دیالوگ پایانی نمایشنامه بین لویی و میرا دقت کنید.

لویی آماده ای؟

میرا آماده ام

در این دیالوگ که یادآور گفتگوی معروف بین ولادیمیر و استراگون در نمایشنامه در انتظار گودو است، هر دوی کاراکترها اعلام آمادگی برای انجام کاری را می‌کنند. کار را انجام می‌دهند اما چیزی پیش نمی‌رود و دوباره سیر تسلسل آغاز می‌شود.

در پایان معتقدم علی صفری نویسنده ای است که می‌تواند در آثار بعدی، بیشتر عمل نوشتن را با تنفس دغدغه مند ترکیب کند و همچنان به جلو برود.

حامد سلیمان زاده

زمستان ۱۳۹۷

شخصیت‌ها:

لویی

میرا

بوئینه

ماری

دکتر

مامور

پیرزن

بچه